

سلام رفقای من!

امیدوارم حالتون عالی عالی باشه.

بعد از استقبال بی نظیر شما از جلد اول، با انرژی فوق العاده‌ای که به من دادید، تصمیم گرفتم در اولین فرصت جلد دوم رو هم آماده و تقدیم شما کنم. البته آماده کردن نکات جلد دوم کمی طول کشید چون وقت بیشتری رو برای نوشتن این نکات گذاشتم تا در نهایت کتابی که تقدیمتون میشه بتونه حسابی در زمینه‌ی تقویت گرامرتون مفید باشه و مثل کتاب اول رضایت شمارو جلب کنه.

این کتاب هم مثل کتاب قبلی شامل ۲۰۰ نکته‌ی خوشگل و کاربردی گرامر که مطمئنم از خوندن این نکات حسابی لذت می‌برید.

نکاتی که در این کتاب و کتاب قبلی تقدیم شما شده به شدت رایج و کاربردی هستن و اغلب اونا سؤالات زبان‌آموزهای من در کلاس‌های مختلفم بوده و مطمئنم خیلی از این نکات میتونه جواب سؤالات شما هم باشه.

فقط یادتون نره، قرار نیست این کتاب رو مثل رمان و داستان بخونید و جلو برید! اینو بدونید که در مسیر یادگیری زبان، شما نباید از هیچ چیزی ساده بگذرید. من نکات رو خیلی ساده براتون توضیح دادم، شما بعد از یادگیری هر نکته، با یاد حسابی مثال بزنید و تمرین کنید. یعنی باید از هر نکته‌ای که یاد میگیرید حسابی استفاده کنید. هم روی کاغذ هم با صدای بلند. پس هم روی کاغذ جمله‌سازی و تمرین می‌کنید و هم اون جملات رو بارها با صدای بلند تکرار می‌کنید. نه تنها برای نکات کتاب‌های من، بلکه

شما همیشه باید در حال تمرین و جمله‌سازی باشید، حالا مهم نیست کجا کلاس میرید یا چه کتابی می‌خوانید. اصلاً زبان یعنی تمرین و تکرار منظم و همیشگی. پس در کنار مطالعه‌ی شخصی و برنامه‌هاتون، حداقل روزی سه الی چهار نکته از کتاب رو با دقت بخونید و حساسی تمرین کنید و مطمئن باشید که دنیای قشنگی منتظر تونه. حواستون باشه که کیفیت رو فدای کمیت نکنید. نکات رو تند تند نخونید، با صبر و حوصله برید تو دل نکات!

حتی بعد از یادگیری هر نکته، خودتون یه سرچ ساده در گوگل بکنید و سعی کنید مثال‌های بیشتری پیدا کنید و بعد خودتونو با اون مثال‌ها درگیر کنید. همون مثال‌هارو با صدای بلند تکرار کنید. با تغییرات خیلی ساده جملات جدید بسازید و مرتب تکرار کنید و تا زمانی که روی اون نکته مسلط نشدید، یادگیری نکته‌ی بعدی رو شروع نکنید. یادتون نره پیچ اینستاگرام منو حتماً دنبال کنید که برای یادگیریتون یه مکمل فوق‌العاده‌س و اونجا میتونید هر روز در قالب پست‌ها و استوری‌های منظم و روزانه، کلی نکته‌ی قشنگ و کاربردی یاد بگیرید و از یادگیری کاربردی زبان لذت ببرید و جز اولین کسانی باشید که از دوره‌ها و کلاس‌های من با خبر میشن.



Soheyl_English

حتماً سایتم رو هم دنبال کنید که من و تیمم در اونجا همواره در حال آماده کردن محتواهای مفیدی برای شما هستیم و به شما کمک میکنیم که با دید بازتری در مسیر یادگیری زبان قدم بردارید و همین‌طور میتونید در مورد دوره‌ها، کلاس‌ها و پکیج‌های آموزشی من هر نوع اطلاعاتی که نیاز دارید رو بدست بیارید.



www.Soheylenglish.ir

خودمم با جان و دل کنارتونم. شماره تلفنم رو داشته باشید و هر سؤالی در مورد نکات کتاب داشتید، یا اگه خواستید پیشنهادات و انتقاداتتونو با من در میان بذارید و یا حتی اگه نیاز به مشاوره و راهنمایی داشتید، فقط کافیه داخل واتس‌آپ به من پیام بدید.



091 091 091 45

دوستتون دارم.

بریم که بترکونیم.

نکته ۱

وقتی شما توی انجام یه کاری مشکل دارید، الگو به این صورته:

➔ to have difficulty (in) doing something

پس باید بعد از **difficulty** از حرف اضافه‌ی **in** استفاده کنیم و بعدش اون فعالیت رو به صورت **ing** دار بیاریم.
که البته اگه **in** رو هم نیارید، ایرادی نداره.

I have difficulty in breathing.

من توی نفس کشیدن مشکل دارم.

حالا وقتی با یه چیزی مشکل دارید، الگو اینجوریه:

➔ to have difficulty with something

مثلاً:

She has difficulty with math.

اون با ریاضی مشکل داره.

بریم برای چندتا مثال:

- People with asthma **have difficulty** in breathing.
- You may **have difficulty** with this book at first, but you'll find it easier as you go along.
- Many people **have difficulty** in rebuilding their lives when they come out of prison.
- Young children often **have difficulty** expressing themselves.
- Some **have difficulty** in writing and spelling.

نکته ۲

دقت کنین، با صفاتی که شدتشون بالاست و قوی هستن، از *very* استفاده نمیکنیممممم.

به جاش از *absolutely* استفاده میکنیم.

مثلاً:

- ➔ It's **absolutely fantastic**.
- ➔ It's **absolutely impossible** to work with all this noise.
- ➔ The food was **absolutely delicious**.
- ➔ Dad was **absolutely furious**.

نکته ۳

میخوایم بگیم انجام فلان کار فایده‌ای نداره. الگوش به این صورته:

- ➔ There is no point in **doing something**.

دوتا معنی داره:

یک: انجام فلان کار فایده‌ای نداره. (یعنی اگه تلاش کنی انجامش بدی به نتیجه‌ای نمیرسی.)

مثلاً:

- ➔ There's no point in **cramming** the day before the test.

خرخوونی کردن یه روز قبل از امتحان فایده‌ای نداره.

دو: انجام فلان کار دلیلی نداره.

(یعنی اگه تلاش کنی انجامش بدی، به نتیجه میرسی ولی سود زیادی به حالت نداره. تلاشت تأثیر آنچنانی توی نتیجه نداره.)

مثلاً:

➔ **There's no point in studying for Professor Sam's exam. His tests are always so easy.**

دلیلی نداره برای امتحان پروفیسور سام بخونی. امتحانش همیشههههه خیلی آسونه.

➔ **There's no point in getting upset about it—let's try to find a solution.**

ناراحتی دربارهش فایده‌ای نداره - بیا تلاش کنیم یه راه حل پیدا کنیم. پس حواست باشه، بعد از in فعل رو به صورت ing دار میاریم. یعنی اشتباهه که بگی:

There's no pinot in **save** money.

نکته ۴

وقتی بخوایم بگیم یه چیزی یا یه کاری ارزش انجام دادن داره، از الگوی زیر استفاده میکنیم:

➔ **be worth doing something**

بعد از worth فعل ing دار میااااا.

خب be که یعنی فعل to be.

قبلش هم اون چیزی که در موردش حرف میزنیم رو میاریم. مثلاً:

فیلم رو چیکار میکنن؟ میبینن دیگه!

پس movie و watch رو داریم!

حالا اگه بخوام بگم این فیلم ارزش دیدن داره، میگم:

➔ **This movie is worth watching.**

مثلاً خونه رو میخرن.

پس house و buy رو داریم.

حالا اگه بخوام بگم این خونه ارزش خریدن داره، میگم:

➔ That house is **worth buying**.

حالا اگه کاری ارزش انجام دادن نداشته باشه، جمله رو منفیش کن:

➔ This movie **isn't worth watching**.

این فیلم ارزش دیدن نداره.

نکته ۵

حالت منفی جناب **had better** به صورت زیر:

➔ **had better NOT do something**

هیییییچ نیازی به to نیست!

➔ You'd **better not leave** my bag there. Someone might steal it.

بهبتره کیفمو اونجا رها نکنی. ممکنه یکی بدزدتش.

➔ You'd **better not talk** to him.

بهبتره باهاش صحبت نکنی.

بریم برای چندتا مثال:

- You'd **better not** believe in him. He is a cheater.
- You'd **better not** interrupt him. He is sleeping.
- You'd **better not** let Dad hear you say that.
- You'd **better not** screw up this time.
- You'd **better not** do that again.
- You'd **better not** be late for work again.

نکته ۶

تفاوت

➔ **the other one**

➔ **another one**

این دو عزیز جای اسم میان.

چه اسمی؟ نکته همینجاست.

another one جای اسمی میاد که برای شنونده ناشناخته س.

مثلاً:

➔ I have a pen here on the table. I have **another one** at home.

من اینجا یه خودکار رو میز دارم. من یه خودکار دیگه خونه دارم.

کدوم خودکار؟ نمیدونیم.

the other one جای اسمی میاد که برای شنونده شناخته شده س.

مثلاً:

➔ I have two pens. One is old and **the other one** is new.

من دو تا خودکار دارم. یکیش قدیمیه و یکیش جدیدیه. (میدونیم کدوم

خودکارو میگه.)

نکته ۷

یه قاعده‌ی کلی وجود داره که وقتی صحبت از آینده باشه، بعد از کلماتی

مثل:

if / when / as soon as / before / after / till / until / unless

به جای آینده ساده از حال ساده استفاده میکنیم. مثلاً:

➔ I'll do that **before** he calls me.

قبل از این که اون به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➔ I'll do that **after** he calls me.

بعد از این که به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➔ I'll do that **as soon as** he calls me.

به محض این که به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➔ I'll do that **if** he calls me.

اگه به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

بریم برای چندتا مثال:

- I'll speak to her **as soon as** she comes out of the meeting.
- She is in a meeting at present, but I will let you know **as soon as** she becomes available.
- Talk to her **before** she makes the wrong decision.
- Her husband will skin her alive **if** she comes home late.
- We'll never get there **if** he doesn't speed up.

نکته ۸

وقتی یه کسی توی انجام یه کاری خوبه، میگی:

➔ **Someone is good at doing something.**

وقتی یه کسی توی انجام یه کاری بده، میگی:

➔ **Someone is bad at doing something.**

پس دقت کنین، از حرف اضافه **at** استفاده میکنیم.

اونایی که فارسیو به انگلیسی برمیگردونن، از **in** استفاده میکنن که کاملاً اشتباهه!

➔ My father is really **good at playing** soccer.

پدرم توی فوتبال بازی کردن خیلی خوبه.

➔ My brother is really **bad at cooking**.

برادرم توی غذا درست کردن خیلی بده.

بریم برای چندتا مثال:

- I'm **good at** drawing.
- I'm **good at** swimming.
- I'm **good at** driving.
- I'm **good at** reading.

نکته ۹

میتونیم بگیم:

➔ **in the beginning**

➔ **at the beginning**

اگر بخوایم بگیم در ابتدا، میگیم:

➔ **in the beginning**

مثلاً:

➔ **In the beginning**, she thought it was a piece of cake.

در ابتدا، او فکر کرد که اون راحتیه.

➔ **In the beginning**, she didn't like him.

در ابتدا، اونو دوست نداشت.

ولی اگه بخوایم بگیم ابتدای یه چیزی، میگیم:

➔ **at the beginning of something**

مثلاً:

➔ There's a short poem **at the beginning** of every chapter.

یه شعر کوتاه ابتدای هر فصل وجود داره.
یا مثلاً:

➔ **at the beginning** of the week/holiday/film

➔ Call me **at the beginning** of the next week.

ابتدای هفته‌ی آینده به من زنگ بزن.

نکته ۱۰

برای **familiar** ما دو حالت داریم:

➔ **familiar with something**

➔ **familiar to someone**

مثلاً:

➔ Are you **familiar with** this type of machine?

با این نوع دستگاه آشنایی داری؟

➔ I'm not **familiar with** her poetry.

من با اشعارش آشنایی ندارم.

اگه یه چیزی برای ما آشنا باشه، یا یه کسی رو خوب بشناسیم، می‌گیم:

➔ **someone/something is familiar to me**

مثلاً:

➔ The name is not **familiar to** me.

اسمه برام آشنا نیست.